

تبیین ابعاد عدالت اجتماعی در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای

حامد علیزاده

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
dr.hamedalizadeh@yahoo.com

علی محسنی مشتقین (نویسنده مسئول)

دانشیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
dr.amohseni@gmail.com

چکیده

عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه‌ی» منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند، مبحث مقاله فرارو، تأمل در باب ابعاد عدالت اجتماعی در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای است. در این راستا، پژوهش این پرسش را مطرح می‌کند که عدالت اجتماعی در دیدگاه مقام معظم رهبری چگونه صورت‌بندی می‌شود و می‌توان الگویی برای آن ترسیم کرد؟ ذیل این پرسش کلان، پرسش‌های جزئی‌تر هم مطرح می‌شود. مقاله با بهره‌گیری از روش و نظریه داده بنیاد انجام شده است و فرضیه اصلی مقاله این است که حضرت آیت الله خامنه‌ای، با رویکردی تلفیقی از جنبه‌های نظری و عملی، مفهومی از عدالت اجتماعی ارائه می‌دهد که مبتنی بر شرایط علی و در بستری از فرهنگ ایران-اسلامی و با توجه به ظرفیت‌های قانون اساسی طراحی و کاربردی می‌شود. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در نظرگاه آیت الله خامنه‌ای، به معنای تقسیم صحیح فرصت‌ها، توزیع یکسان منابع و برابری افراد در مقابل قانون است و به دلیل این‌که موجب فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، همبستگی اجتماعی و ترفیع جایگاه جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از مرزهای حاکمیتی شود، شایسته است که

متولیان سیاست‌گذاری از بیانات و رهنمودهای ایشان در باب موضوع عدالت اجتماعی بهره گیرند و این آموزه‌ها را کاربردی کنند.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، نظریه داده بنیاد، کدگذاری، عدالت اجتماعی، رفع فقر، پیشرفت.

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

عدالت اجتماعی از مفاهیمی است که نظریه‌های گوناگونی درباره آن مطرح شده و جوامع بشری در ادوار مختلف برای تحقق آن برنامه‌های مختلفی ارائه داده‌اند؛ زیرا این مقوله، ستون ثبات، امنیت و رفاه هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و حکومت‌ها می‌کوشند با برقراری عدالت، رضایت شهروندان را فراهم کنند. بر این اساس، مکاتب فکری، راهکارها و نظراتی درباره عدالت اجتماعی ارائه کرده‌اند تا حکومت‌ها و دولت‌ها با کاربست آن به اهداف خویش در این زمینه برسند.

نظام جمهوری اسلامی ایران هم از بدو شکل‌گیری، تحقق عدالت اجتماعی را از اصول و اهداف اصلی خویش قرار داده است و اصول دوم، سوم، نوزدهم، بیستم و سی و چهارم قانون اساسی به‌صراحت بر تحقق عدالت تأکید دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای هم به‌عنوان رهبر و سرکان‌دار انقلاب اسلامی در سی‌وسه سال اخیر به مقوله عدالت اجتماعی اهتمام ویژه‌ای داشته و کوشیده‌اند با بیانات و رهنمودهای مکرر، مسئولان و جامعه را متوجه این امر مهم کنند. کنکاش در سخنرانی‌های رهبر انقلاب حاکی از آن است که عدالت اجتماعی از کلیدواژه‌های مورد تأکید ایشان بوده و از زوایای گوناگون به این مقوله پرداخته و درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند. این مقاله، با هدف درک و فهم چگونگی صورت‌بندی عدالت اجتماعی و ابعاد آن در منظومه فکری ایشان، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، الگویی جامع از عدالت اجتماعی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صورت‌بندی کرد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره عدالت پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است که چند نمونه از آن‌ها بررسی می‌شود.

پورهاشمی (۱۳۹۰) «مبانی نظری عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری» را بررسی کرده است. در این مقاله مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، غایت‌شناختی و جامعه‌شناختی عدالت تحلیل شده و نویسنده درصدد بررسی جنبه‌های تئوریک موضوع است. خرمشاد و ساوه درودی (۱۳۹۱) به موضوع «عدالت در اندیشه متفکران اسلامی مقایسه تطبیقی آراء رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری» پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که هر دو به مفهوم نظری و عملی عدالت توجه داشته‌اند، اما شهید مطهری به طور عمده بر مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف درباره عدالت توجه داشته، حال آنکه آیت‌الله خامنه‌ای بر چهار محور عدالت اجتماعی، روحیه انقلابی، تأمین رفاه عمومی و ارزش‌های اسلامی تمرکز کرده‌اند.

سادات محله و کشفی (۱۳۹۷) کتاب **عدالت؛ عدالت و عدالت‌خواهی در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای** را منتشر کرده‌اند. این کتاب، شامل گردآوری بیانات مقام معظم رهبری درباره عدالت است و نویسندگان با طرح پرسش‌هایی مانند چگونه باید با عدالت رفتار کنیم؟ یا برای تحقق عدالت چه باید کرد؟ تلاش کرده‌اند با افزودن تیتروایی، عدالت را در جنبه‌های مختلف از منظر آیت‌الله خامنه‌ای ترسیم کنند.

کتاب **قاموس عدالت** (۱۳۸۵) مبانی نظری و عملی مفهوم عدالت در کلام رهبری را بررسی می‌کند. این کتاب شامل بیانات رهبر انقلاب از سال ۶۸ تا ۸۴ است و در هشت فصل به موضوعاتی مانند عدالت در سیره بزرگان، ساده زیستی و تجمل و شاخص‌های بی‌عدالتی و آثار و ثمره عدالت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با موضوع بحث می‌توان به این موارد اشاره کرد:

نویسندگان	عنوان	یافته‌های پژوهش
شاه‌محمدی و کیقبادی	چگونگی عدالت در ایجاد امنیت اجتماعی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب	تأکید بر رابطه دوستانه و مستقیم پلیس و مردم در ایجاد امنیت اجتماعی

پیغامی و سجادیه	الزامات و خط‌مشی‌های کلان علمی عرصه عدالت پژوهی در اندیشه مقام معظم رهبری	طرح نظریه عدالت اسلامی و تلاش برای حرکت جامعه علمی به این سمت
کرمانی	تبیین مفهومی صلح و عدالت با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری	صلح بر مبنای عدالت باشد و عدم پذیرش صلحی که با ظلم و ستم همراه باشد.
مجیدی	دهه چهارم انقلاب و پیشرفت بر مدار عدالت در نظر رهبر انقلاب	اولویت قرار دادن مدیریت تحول در دیدگاه مقام معظم رهبری

بررسی آثار فوق نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها، صرفاً بیانات مقام معظم رهبری درباره عدالت را گردآوری کرده و فاقد تحلیل هستند. دسته دیگر به مقایسه نظرات ایشان با دیگر اندیشمندان در زمینه عدالت پرداخته‌اند؛ اما این پژوهش، با کاربرد نظریه و روش کیفی داده بنیاد، ابتدا مفاهیم مرتبط با عدالت اجتماعی در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای چرایی یک الگوی کلان و جامع صورت‌بندی شده و نظریه‌ای منسجم درباره عدالت اجتماعی از نظر مقام معظم رهبری طراحی می‌شود. به علاوه پژوهش، نسبت عدالت اجتماعی با جنبش تولید علم، اقتصاد مقاومتی، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها، موانع و پیامدهای این اصل مهم را هم بررسی می‌کند؛ بنابراین بر اساس این چند نکته، این اثر از پژوهش‌های دیگر متمایز و دارای نوآوری و ابتکار تحلیلی است.

۱-۳. نظریه و روش پژوهش: نظریه داده بنیاد

روش استفاده در این پژوهش، استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد است. راهبرد داده بنیاد، نوعی روش‌شناسی عمومی برای تدوین نظریه‌هاست که ابتدا توسط گالسر و اشتراوس ارائه شده است. نیومن معتقد است که «نظریه بنیادی مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه‌ای استقرایی در مورد یک پدیده است» (Newman, 1997:34). اشتراوس و کوربین نظریه بنیادی را چنین معرفی می‌کنند:

نظریه بنیادی که منشأ استقرایی دارد، از مطالعه پدیده روزمره زندگی ناشی می‌شود. روش نظریه بنیادی، از مجموعه منظمی از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه در مورد یک پدیده استفاده می‌کند و بر مبنای یافته‌های تحقیق فرمولی نظری

از واقعیت را می‌سازد (Strauss, A., & Corbin, 1990:24).

در این روش، نظریه به دنبال کنش بین داده‌ها و تحلیل به وجود می‌آید. گلارز به نقش توسعه نظریه و اهمیت آن در حساس کردن محقق در برابر معنی مفهومی به دست آمده از مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها تأکید دارد (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۳۵).

نظریه داده بنیاد از مهم‌ترین روش‌های کیفی پژوهش است که به نوعی می‌توان گفت مهم‌ترین روش پژوهش کیفی نظام‌مند در مقابل انواع روش‌های کمی است. همچنین نظریه داده بنیاد برای تفسیر رفتار فرد و همچنین گروه قابل‌تحسین است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۳). به نقل از چارمز، ۱۹۹۰: ۵۰۹). سه عنصر مفاهیم، مقوله‌ها، طبقه‌ها ارکان اصلی این استراتژی هستند. در پی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مفاهیم و از کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، مقوله شکل گرفته و در نهایت با بیان روابط تعمیم‌یافته بین مقوله و مفاهیم آن و بین مقوله‌های معین و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر در بستر و فرآیند آن پدیده مدل مفهومی تبیین‌کننده پدیده آشکار می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۴۷).

نظریه داده بنیاد شامل سه مرحله است: کدگذاری باز، محوری و انتخابی.

کدگذاری باز: پژوهشگری که از روش نظریه‌سازی داده بنیاد استفاده می‌کند به دنبال فرایند است. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، پژوهشگر کدگذاری باز روی آن‌ها انجام می‌دهد. این به معنی بررسی خط به خط داده‌ها و شناختن فرایندها در آن‌هاست (حسرتی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، مقوله‌های اول اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را، به وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۰، به نقل از کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۷).

کدگذاری محوری: فرآیند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل محوری نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۳، به نقل از اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸ و لی ۲۰۰۱: ۴۹). در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز، تدوین شده و

سرجای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد شود (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۳، به نقل از لی، ۲۰۰۱: ۸۴).

در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک مقوله مرحله‌کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکزی‌فرایندی که در حال بررسی آن است (به‌عنوان پدیده مرکزی) قرار می‌دهد و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت‌اند از: «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر» و «پیامدها». این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط فی‌مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را نمایان می‌سازد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۳، به نقل از کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۸). کدگذاری انتخابی و خلق نظریه: اشتراوس و کوربین، کدگذاری انتخابی را به همراه کدگذاری باز و محوری این‌گونه تشریح می‌کنند:

در کدگذاری باز، تحلیل‌گر به پدید آوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد و سپس می‌کوشد تا مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بُعدهای تعیین‌شده، تغییر می‌کند. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به‌طور نظام‌مند بهبود یافته و با زیرمقوله‌ها پیوند داده می‌شود. با این حال، این‌ها هنوز مقوله‌های اصلی نیست که در نهایت برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگ‌تر یکپارچه شود. به طوری که نتایج تحقیق، شکل نظریه پیدا کند. «کدگذاری انتخابی» فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷، به نقل از اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، لی، ۲۰۰۱: ۵۰).

در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک نظریه از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درمی‌آورد. در یک سطح اصلی، این نظریه شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد. فرایند یکپارچه‌سازی و بهبودبخشی نظریه در کدگذاری انتخابی است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۷، به نقل از اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). به عبارت دیگر، کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته و به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه نیاز

دارند، تکمیل می‌کند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۷، به نقل از اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰ و لی، ۲۰۰۱: ۱۲۷).

۲. تعریف عدالت و عدالت اجتماعی

عدل از نظر لغت به معنای راستی، درستی، دادگری، داد، نظیر، همتا، مثل و شاهد می‌آید. همچنین عدل به معنای دیگری از جمله لنگه، کیل، پیمان، پاداش، میانه‌روی، مساوات، برابری، کار میانه و راست ایستادن نیز هست (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۸۳). در حکمت عملی، عدل مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند (سجادی، ۱۳۷۵: ۴۷). در بینش دینی، «عدل» به معنای اعطاء کل ذی حق حقه است؛ یعنی حق هر صاحب حقی را به او دادن و به تعبیر علی‌ها‌لسلام، العدل یضع الامور مواضعها...؛ عدل هر چیزی را در جای خودش قرار می‌دهد (شهیدی، ۱۳۷۹: ۴۴۰).

عدالت مفهوم بحث‌برانگیزی است و تعریف واحدی از آن در میان اندیشمندان مورد پذیرش قرار نگرفته است. ارسطو، عدالت را اعطای حق به سزاوار آن می‌داند یا به عبارتی دیگر عدالت فضیلتی است که به موجب آن باید به هر کس آنچه را که حق اوست، داد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲۵). به نظر توماس هابز^۱، عدالت عبارت است از اجرای تعهدی که فرد از روی نفع طلبی به اجرای آن رضایت داده است. پس اساس عدالت قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه هابز و الهام‌بخش مکتب اصالت فایده بود، عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید (بشیریه، ۱۳۷۵: ۳۶).

از دید آدام اسمیت^۲، در پیرامون جامعه به نابرابری‌های ژرف در زمینه قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و برخورداری از منابع اقتصادی برمی‌خوریم. عدالت اجتماعی، به معنای کاهش این نابرابری‌ها است، به گونه‌ای که این فرایند، به بازگشت برابری‌ها بیانجامد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱۲).

1. Thomas Hobbes
2. Adam Smith

آندرو هیود^۱ بر این باور است که: عدالت اجتماعی از توزیع اخلاقی قابل دفاع سودها یا پاداش‌ها در جامعه که برحسب مزد، سود، مراقبت بهداشتی، منابع رفاهی و مانند آن‌ها ارزیابی می‌شود، پشتیبانی می‌کند. از این رو عدالت اجتماعی درباره این است که چه کسی چه چیزی را به دست می‌آورد (هیود، ۱۳۸۳: ۴۴۰).

قرآن نیز در آیه ۱۳۵ سوره نساء به طور صریح به اقامه قسط و عدل دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید کاملاً قیام به عدالت کنید).

درباره عدالت اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده است. باین حال می‌توان به دو تعریف از جان رالز^۲ و جان استوارت میل^۳ اکتفا و عدالت اجتماعی را بر مبنای دیدگاه دو این نظریه‌پرداز ترسیم کرد. رالز، عدالت اجتماعی را ضابطه‌ای عمومی برای تعیین شئون لازم‌الرعایه و برای ارزیابی جنبه‌های توزیعی ساختار اساسی جامعه تعریف می‌کند (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۱۱). استوارت میل عدالت را شاخه‌ای از اخلاق می‌دانست که یک خیر به شمار می‌آید و معتقد بود عدالت از حق انتخاب و زاده می‌شود. میل تمام تلاش خود را صرف بزرگ‌ترین حق انس، یعنی حق انتخاب کرد. از این رو، عدالت نامی برای تعدادی قواعد اخلاقی می‌شود که حق انتخاب و آزادی به فرد می‌دهد، ضمن این که بشر را از صدمه زدن به یکدیگر منع می‌کند (تاجیک نظامیه، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

آنچه در این بحث مهم به نظر می‌رسد این است که نظریات امام علی^(ع) به‌عنوان یک متفکر و حاکم و اندیشمند با سیاست‌گذاری و عملیات او یکسان بود. در چهارچوب نظام غرب این فاصله بین نظریات و عملیات مفهوم‌های نظری و عملی بسیار فاصله دارد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اگر بویی از حکومت علی^(ع) را برده باشیم کار بزرگی کرده‌ایم و در همین راستا بعد از انقلاب هر جا انقلابی عمل کردیم موفق شدیم و هر جا انقلابی عمل نکردیم مثل بهره‌مندی از امکانات تا دسترسی به منابع، درگیر شدن به برخی مصلحت‌سنجی‌ها و... موفق نبوده‌ایم (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

1. Andrew Heywood
2. John Rawls
3. John Stuart Mill

۳. تعریف عدالت و عدالت اجتماعی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

۳-۱. تعریف عدالت

در فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای گویا تعمدی وجود دارد که مفهوم عدالت مانند دیگر مفاهیم بنیادی مربوط به دین، سیاست و جامعه، در چهارچوب اندیشه استدلال مطرح شود. به همین دلیل، ایشان مفهوم عدالت را از چهارچوب تنگ دستورها و موعظه‌های اخلاقی صرف بیرون آورده و درباره آن مانند دیگر موضوع‌های مهم فلسفه سیاسی به اندیشه و تأمل پرداخته‌اند. در فلسفه سیاسی اسلام دو تعریف از عدالت ارائه شده است:

۱. عدالت به معنای «وَضَعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ»؛ یعنی قرار دادن هر چیزی در جای مناسب خویش. در مواضعی نیز هر دو تعریف را با هم و به یک معنا به کار می‌برند؛ عدالت یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن، به هر کس حق وی را دادن (بیانات، ۱۳۷۷/۲/۱۸). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: عدالت یعنی تأمین کردن هدفی که قرآن برای ارسال پیامبران و انزال کتاب‌ها و شریعت‌های آسمانی در یک‌جا بیان فرموده است، «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ یعنی اقامه قسط. قسط و عدل با دستوری که اسلام برای این معین کرده است که بهترین تضمین و تأمین‌کننده عدالت است (بیانات، ۱۳۸۱/۳/۳۰).

۲. عدالت به معنای «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ»؛ اعطا به میزان استحقاق و حق به حقدار (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ۳۵۴). آیت‌الله خامنه‌ای، در موردهایی تعریف عدالت را براساس دیدگاه نخست بیان کرده و می‌فرماید: عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن (بیانات، ۱۳۸۱/۵/۱۷). در مواضعی هم براساس معنای دوم تعریف کرده‌اند: عدالت در اسلام مفهوم خیلی وسیعی دارد. مفهوم عدالت یعنی تأمین تمام نیازهای مادی و معنوی انسان. این «اعطاء کل ذی حق من القوی حقه» که معنای عدالت است هر صاحب حقی را به حق خودش رساندن (بیانات، ۱۳۷۷/۲/۱۸). عدالت، تندروری نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۰۵/۱۲).

عدالت به معنای یکسان بودن همه بر خورداری‌ها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید

سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (بیانات در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

از سوی دیگر، ایشان بر لزوم برخورداری مسئولان دولتی و مجریان عدالت اجتماعی از معنویت و عقلانیت تأکید دارند. عقلانیت اقتضا می‌کند که مجریان و دست‌اندرکاران تحقق عدالت در هر عرصه از عرصه‌های اجتماع از تجارب عقلایی سایر ملت‌ها و نیز از تدبیر، محاسبه، دقت کافی و بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران که اقتضای کار معقول و سنجیده است بهره‌مند باشند. ایشان در این باره می‌گویند:

در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی، خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند، اما چون معنویت و آنگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوّم عقلانیت، اگر عقلانیت در عدالت نباشد گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود... در عدالت، عقلانیت شرط اوّل است (بیانات در دیدار با هیأت دولت ۱۳۸۸/۰۸/۰۶).

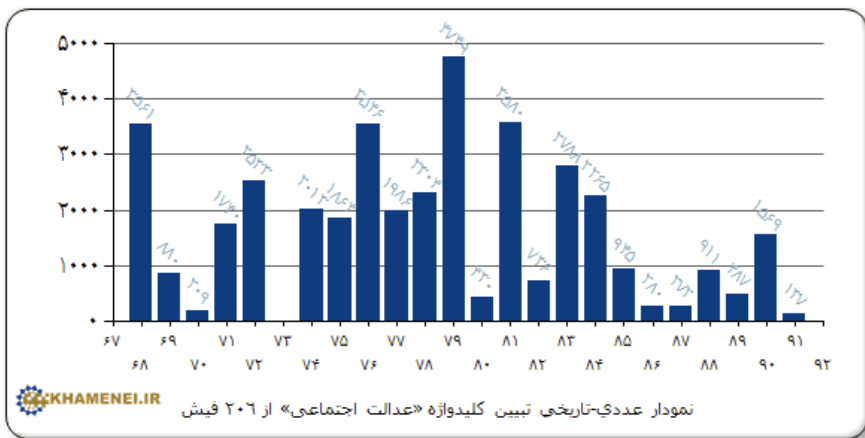
۲-۳. عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

عدالت	اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای
ماهیت عدالت	فلسفه اخلاقی
مفهوم عدالت	عقلانیت و معنویت
عامل تعیین‌کننده اصول عدالت	انسان معتقد جازم عازم با اراده ترس از خدا
دلیل پذیرش عدالت	حسن عدالت‌خواهی یک خواسته فطری انسان
سطوح عدالت	اجتماعی - فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - حقوقی
ویژگی جامعه عادلانه	حکومت در جامعه تحمیلی نباشد حکومت در جامعه فاسد نباشد حکومت در جامعه ضد مردمی نباشد
ویژگی عدالت	زمینه دستیابی به فرصت برابر رعایت شایستگی و اهلیت‌ها در عرصه اجتماعی و سیاسی برخورداری از حق اظهار نظر و آزادی بیان در عرصه اجتماعی و سیاسی برخورداری از حمایت قانونی برخورداری از حقوق دادرسی

۳-۳. مفهوم عدالت اجتماعی

از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان سه مفهوم از عدالت اجتماعی را مستفاد کرد: رفع تبعیض، تقسیم درست فرصت‌ها و امکانات و یکسان بودن همه افراد در مقابل قانون. معنای عدل اجتماعی این است که قانون، مقررات و رفتارها نسبت به همه افراد جامعه یکسان باشد و کسی امتیاز ویژه‌ای بدون دلیل نداشته باشد. این معنای عدل اجتماعی است. امیرالمؤمنین این کار را کرد (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم و کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۹/۵). عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

تحلیل بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان، اختصاص امتیازات ویژه به برخی افراد و گروه‌ها را مغایر با مفهوم عدالت اجتماعی می‌دانند و خواستار برابری همه اشخاص در مقابل قانون و مقررات جامعه هستند. آیت‌الله خامنه‌ای، در مبحث معرفت‌شناسی به تفاوت مهمی میان عدالت و عدالت اجتماعی اشاره می‌کند. از نگاه ایشان، عدل یک معنای عام دارد؛ یعنی موازنه صحیح؛ اما مفهوم عدالت اجتماعی از اصطلاح «قسط» تعبیر می‌شود. قسط با عدل فرق می‌کند؛ قسط یعنی این‌که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۱/۱/۱۳۷۱).



بعد از تعریف عدالت و عدالت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، از روش و نظریه پژوهش برای کدگذاری و دسته‌بندی مقولات استفاده می‌شود. همان‌طور که در بخش نظریه داده بنیان ذکر شد، گام اول کدگذاری باز است.

کدگذاری باز: در این مرحله ابتدا بیانات رهبر معظم انقلاب درباره عدالت اجتماعی با ارجاع به تاریخ سخنرانی کدگذاری می‌شود و در هر بخش از بیانات چند مقوله استخراج می‌شود. در سمت راست جدول، کلمه آر به معنای رهبری و تاریخ‌های ذکر شده هم بیانگر تاریخ بیانات ایشان است. نکته مهم در کدگذاری باز این است که مقولات هر بخش با توجه به مشابهت‌های سخنان آیت‌الله خامنه‌ای دسته‌بندی شده است.

مقوله	بیانات مقام معظم رهبری	کد
مساوی بودن همه افراد جامعه در برابر قانون، مقررات و رفتارها عدم اعطاء امتیاز ویژه به افراد رفع تبعیض استقرار عدل در جامعه عدالت اجتماعی شکل خردشده قسط	معنای عدل اجتماعی این است که قانون، مقررات و رفتارها نسبت به همه افراد جامعه یکسان باشد و کسی امتیاز ویژه‌ای بدون دلیل نداشته باشد. این معنای عدل اجتماعی است. امیرالمؤمنین این کار را کرد (۱).	R-۱۳۷۵/۹/۵
	عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض (۲).	-۱۳۶۸R/۱۱/۹
	عدل یک معنای عام دارد؛ یعنی موازنه صحیح؛ اما مفهوم عدالت اجتماعی از اصطلاح «قسط» تعبیر می‌شود. قسط با عدل فرق می‌کند. قسط یعنی این که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید (۳).	-۱۳۷۱R/۱۱/۱
عدالت عامل هویت بخشی و حقیقت بخشی عدالت اجتماعی عامل معنا بخشی به جمهوری اسلامی عدالت اجتماعی عامل تحقق ارزش‌های دینی در جامعه عدالت اجتماعی عامل رهایی انسان‌ها از دردها عدالت اجتماعی عامل ایجاد زندگی قابل زیست قیام پیامبران برای تحقق عدالت اجتماعی تأکید بر دستیابی به کمالات انسانی	عدالت اجتماعی، حقیقت و هویت ماست و اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد؛ لذا برای پیاده کردن ارزش‌های دینی و اسلامی در جامعه، باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم (۴).	-۱۳۸۳R/۸/۶
	اگر عدالت از نسل‌های گذشته بر جامعه حکم فرما بود انسان می‌توانست در سایه استقرار عدالت اجتماعی، توانست محیط زندگی خویش را طوری بسازد که برای او قابل زیست باشد و بشر در فلاکت، بیماری‌ها و دردها گرفتار نشود (۵).	-۱۳۶۹R/۳/۱۰
	حتی قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی هم در راستای برقراری نظام قسط و عدالت اجتماعی بوده تا در پرتو آن به کمالات انسانی نائل آیند (۶).	-۱۳۷۴R/۴/۲۹

<p>لزوم شکل‌گیری تولید علم مطالعه قانون اساسی تأکید بر تضارب آراء طراحی برنامه‌های بلندمدت استفاده از پژوهش‌های کاربردی تأکید بر عدم استفاده از الگوهای غربی تأکید بر استفاده از الگوی ایرانی- اسلامی استقرار عدالت اجتماعی در برنامه‌های کشورهای اسلامی فاصله گرفتن از جریان اشرافی مرعوب نشدن در مقابل آمریکا تأکید بر اجرای اقتصاد مقاومتی</p>	<p>در این زمینه {عدالت اجتماعی} باید جنبش تولید علم انجام شود. ابعاد این طرح هم از موارد متعددی از جمله مطالعه قانون اساسی و انتظارات از دستگاه‌های ذی‌ربط برای انجام وظایف خاص را شامل می‌شود (۷).</p>	<p>۱۳۸۲R/۰۸/۱۵-</p>
<p>نیابید تصور کرد که ما یک پیشداوری داریم، یک چیزی را از قبل در نظر گرفته‌ایم و می‌خواهیم حتماً به آن برسیم؛ نه، می‌خواهیم با تضارب آراء بیابیم آنچه را که حق است و آنچه که درست است؛ بنابراین تضارب آراء لازم است. حد بقیف هم ندارد. لیکن در نهایت اداره کشور نیاز دارد به اینکه به یک جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی برسد که بتواند بر اساس آن جمع‌بندی، برنامه‌های بلندمدت را طراحی کند (۸).</p>	<p>بعد از آنکه ما به یک نظریه متقن و جمع‌بندی شده‌ای در باب عدالت رسیدیم، تازه برای پیدا کردن شیوه‌های اجرا و تحقق آن در جامعه، به بحث‌های کاربردی نیاز داریم؛ که این خودش پژوهشهای فراوانی را دنبال خواهد کرد (۹).</p>	<p>۱۳۹۰R/۰۲/۲۷-</p>
<p>در طول سال‌های مختلف، هر وقت نسخه‌های غربی به کار گرفته شد، نه تنها سودی حاصل نشد، بلکه ضررهایی هم به دنبال داشت. از جمله این طرح‌ها، قضیه تعدیل بود که در دهه هفتاد پیش آمد و مشکل عدالت اجتماعی در کشور به معنای واقعی ضربه خورد و شکاف طبقاتی به وجود آمد (۱۰).</p>	<p>به مجلس شورای اسلامی توصیه می‌شود که ریل‌گذاری و مسیرش در چهارچوبی اسلامی- ایرانی و به‌سوی اهدافی مانند رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، پیشرفت علم و عزت ملی باشد. لازمه تحقق این اهداف هم فاصله گرفتن از حاکمیت جریان اشرافی‌گری و مرعوب نشدن در مقابل آمریکا است (۱۱).</p>	<p>۱۳۹۷R/۳/۲-</p>
<p>شاخصه این الگوی اقتصادی، عدالت‌محوری است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری- [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی- اکتفا نمی‌کند، بلکه کاهش فقر و شکاف طبقاتی هم امری مهم است؛ بنابراین شاخص عدالت- عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه- یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما نباید به شاخص‌های علمی موجود در دنیا بی‌اعتنا بود. بلکه بر اساس محور عدالت، این شاخص‌ها را هم به کار برد (۱۲).</p>	<p>برنامه‌ها و اقدام‌ها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام می‌شود با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد (۱۲).</p>	<p>۱۳۹۴R/۱۱/۲۸-</p>
<p>برنامه‌ها و اقدام‌ها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام می‌شود با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد (۱۲).</p>	<p>برنامه‌ها و اقدام‌ها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام می‌شود با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد (۱۲).</p>	<p>۱۳۹۳R/۱/۱-</p>
<p>برنامه‌ها و اقدام‌ها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام می‌شود با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد (۱۲).</p>	<p>برنامه‌ها و اقدام‌ها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام می‌شود با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد (۱۲).</p>	<p>۱۳۸۳R/۶/۲۵-</p>

<p>توزیع ثروت در همه کشور رشد و توسعه مقدمه عدالت توزیع امکانات میان اقشار جامعه برخورداری طبقات محروم کشور از پیشرفت اقتصادی بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی؛ اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود؛ ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای؛ گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی تربیت افراد جامعه عدم ظلم‌پذیری و ظلم نکردن</p>	<p>بعضی این‌طور تصور می‌کردند که ما بایستی یک دوره‌ای را صرف رشد و توسعه بکنیم و وقتی به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و «رشد و توسعه» مقدمه عدالت است» (۱۳).</p>	<p>۱۳۷۴R/۶/۱۸-</p>
<p>بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی؛ اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود؛ ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای؛ گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی تربیت افراد جامعه عدم ظلم‌پذیری و ظلم نکردن</p>	<p>«زمانی همه ثروت کشور به تعدادی خانواده اشرافی و احياناً چند شهر بزرگ می‌رسید، اما امروزه اقصی نقاط کشور از منابع و عدالت اجتماعی برخوردار شده‌اند» (۱۴).</p>	<p>۱۳۹۳R/۱۰/۱۷-</p>
<p>بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی؛ اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود؛ ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای؛ گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی تربیت افراد جامعه عدم ظلم‌پذیری و ظلم نکردن</p>	<p>امروز شما وقتی در آن استان و بقیه است نگاه کنید، می‌بینید در همه شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است (۱۵).</p>	<p>۱۳۹۹R/۰۷/۲۲-</p>
<p>بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی؛ اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود؛ ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای؛ گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی تربیت افراد جامعه عدم ظلم‌پذیری و ظلم نکردن</p>	<p>بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند (۱۶).</p>	<p>۱۳۹۲R/۱۲/۲۰-</p>
<p>بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی؛ اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود؛ ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای؛ گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی تربیت افراد جامعه عدم ظلم‌پذیری و ظلم نکردن</p>	<p>عدالت اجتماعی، یک اصل است. یک هدف اصلی و والاست اما عدالت اجتماعی در صورتی در جامعه تأمین می‌شود که افراد جامعه تربیت شده باشند؛ ظلم نکنند و نیز زیر بار ظلم نروند (۱۷).</p>	<p>۱۳۷۲R/۰۴/۲۳-</p>
<p>مبارزه با فساد مالی هماهنگی قوه سه‌گانه در مبارزه با فساد عدم سوءاستفاده از امکانات تجمل‌گرایی تلاش و اهتمام مسئولان مبارزه با اشرافی‌گری</p>	<p>موضوع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جدا مبارزه کرد؛ هم در قوه مجریه، هم در قوه قضائیه، هم در قوه مقننه. همه موظف‌اند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد (۱۸).</p>	<p>۱۳۸۸R/۳/۲۹-</p>
<p>مبارزه با فساد مالی هماهنگی قوه سه‌گانه در مبارزه با فساد عدم سوءاستفاده از امکانات تجمل‌گرایی تلاش و اهتمام مسئولان مبارزه با اشرافی‌گری</p>	<p>در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پرکردن فاصله‌ی طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است و مبارزه با فساد اداری و فساد اقتصادی و سوءاستفاده از امکاناتی که قدرت در اختیار افراد می‌گذارد - چه سوءاستفاده مالی و چه سوءاستفاده‌ی سیاسی - از اصول انقلاب است و باید رعایت شود (۱۹).</p>	<p>۱۳۸۱R/۳/۱۴-</p>
<p>مبارزه با فساد مالی هماهنگی قوه سه‌گانه در مبارزه با فساد عدم سوءاستفاده از امکانات تجمل‌گرایی تلاش و اهتمام مسئولان مبارزه با اشرافی‌گری</p>	<p>که اگر این روحیه تجمل‌گرایی در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند - که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است - بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد و مهم‌تر از همه، هیچ‌وقت عدالت اجتماعی هم تأمین نخواهد شد (۲۰).</p>	<p>۱۳۸۷R/۱۰/۴-</p>

با وجود برخی پیشرفت‌ها، ظهور نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات باعث شد تا برای رسیدن به عدالت اجتماعی و اسلامی، فاصله زیادی وجود داشته باشد (۲۱).	۱۳۹۵R/۵/۱۱-
همه‌وقت و تلاش و همت و امکانات مسئولان باید در راه اجرای عدالت اجتماعی باشد (۲۲).	۱۳۷۹R/۱۲/۲۲-
هدف این است که ما بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه تأمین کنیم، فقر را ریشه‌کن کنیم تا ثروتمند شدن کشور به نفع رفع فقر و ریشه‌کنی فقر باشد (۲۳).	۱۳۹۸R/۵/۳-
اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده ما با نظام‌های سرمایه‌داری همین است (۲۴).	۱۳۷۲R/۰۵/۱۲-
در همه برنامه‌های حکومت - در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد (۲۵).	۱۳۸۳R/۳/۱۴-
اگر رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در جامعه تحقق یابد، جمهوری اسلامی می‌تواند به‌عنوان الگو و اسوه‌ای برای ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان معرفی شود؛ زیرا عدالت اجتماعی از اهداف بزرگ انقلاب اسلامی بوده و با استقرار این هدف است که ایران می‌تواند پرچم ایمان اسلامی را به دوش بکشد (۲۶).	۱۳۸۶R/۱/۱-

کدگذاری محوری: پس از کدگذاری اولیه و تعیین مقوله‌های فرعی که از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شد، نوبت به کدگذاری محوری می‌رسد. در این مرحله مقوله‌های فرعی در زیر مجموعه یک مقوله اصلی قرار می‌گیرد تا مسیر تولید نظریه و الگوی مدنظر فراهم شود.

مقوله اصلی	قوله فرعی
مفهوم عدالت	مساوی بودن همه افراد جامعه در برابر قانون، مقررات و رفتارها
	عدم اعطاء امتیاز ویژه به افراد
	رفع تبعیض
	استقرار عدل در جامعه
	عدالت اجتماعی شکل خردشده قسط

دلایل توجه و تأکید بر عدالت اجتماعی	عدالت عامل هویت بخشی و حقیقت بخشی
	عدالت اجتماعی عامل معنا بخشی به جمهوری اسلامی
	عدالت اجتماعی عامل تحقق ارزش های دینی در جامعه
	عدالت اجتماعی عامل رهایی انسان ها از دردها
	عدالت اجتماعی عامل ایجاد زندگی قابل زیست
	قیام پیامبران برای تحقق عدالت اجتماعی
	تأکید بر دستیابی به کمالات انسانی
مراحل تحقق اجرای الگوی عدالت اجتماعی	ارائه طرح
	جنبش تولید علم
	استفاده از تضارب آراء
	بررسی نقاط ضعف و قوت
	اجتناب از کاربرد الگوهای غربی
	مطالعه قانون اساسی
	الگوی ایرانی-اسلامی
راهبردهای لازم برای تحقق و اجرای عدالت اجتماعی	کاربرد طرح توسط دستگاه های کشور
	تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی
	دریافت مالیات بر حسب برخورداری از درآمد
	حمایت جدی و قانونی از اقشار مستضعف جامعه
	بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها
	تأکید بر توسعه بخش بهداشت
	توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی
	اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از درآمدهای بادآورده
	ایجاد زمینه های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت های منطقه ای
گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی	

موانع عدالت اجتماعی	فرهنگ‌سازمانی
	فساد اداری و اقتصادی
	اشرافی‌گری
	نوع تربیت افراد
	عملکرد دستگاه‌ها
	روحیه مصرف‌گرایی
	اشرافی‌گری
	بافت جامعه
بسترهای لازم برای تحقق عدالت اجتماعی	استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی
	جغرافیای توزیع عادلانه امکانات
	اجتناب از کاربرد الگوهای غربی
	تأکید بر مقوله اقتصاد مقاومتی
	کاربرد الگوی ایرانی-اسلامی
شرایط علی عدالت اجتماعی	عقلانیت و معنویت
	فلسفه اخلاقی
	رعایت اصل شایسته‌سالاری
	یکسان بودن همه افراد در برابر قانون
	رفع هر نوع تبعیض
	تقسیم درست فرصت‌ها
پیامدهای اجرای عدالت اجتماعی	کاهش فاصله طبقاتی
	رفاه عمومی
	پیشرفت و توسعه متوازن
	رفع نیازهای داخلی
	الگوشدن جمهوری اسلامی برای ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان
	گسترش انسجام و همبستگی اجتماعی
	تقویت نظام جمهوری اسلامی

الگوی عدالت اجتماعی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس نظریه داده بنیاد

نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی از مفاهیم کلیدی در اندیشه مقام معظم رهبری است و ایشان در بیانات خویش از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته است. آیت‌الله خامنه‌ای با تفکیک «عدالت» از «عدالت اجتماعی»، مقوله دوم را از معنای لایقوم انبیاء القسط استخراج کرده است. به این معنا عدالت اجتماعی الگوی جزئی شده عدالت است که در مناسبات اجتماعی میان انس جریان دارد. بر مبنای این تفسیر، عدالت اجتماعی در رویکرد ایشان به معنای رفع تبعیض، تقسیم درست فرصت‌ها و امکانات و یکسان بودن همه افراد در مقابل قانون است. تأمل در باب بیانات مقام معظم رهبری بیانگر آن است که ایشان به دلایلی چند توجه به موضوع عدالت اجتماعی را مهم و از اولویت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. از جمله اینکه تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند به رفع محرومیت و فقر در جامعه منجر شود و تداوم و تثبیت سنت اسلامی بودن آن جامعه را تضمین کند.

براساس نظریه داده بنیاد، مراحل تحقق عدالت اجتماعی در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان کدمحوری انتخاب می‌شود. در این راستا باید شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها را به‌دقت بررسی کرد. برای رسیدن به این هدف ابتدا باید طرح و جنبش تولید علم شکل گیرد. استفاده از تضارب آراء هم برای بررسی نقاط قوت و ضعف این طرح لازم است. نکته مهم این‌که الگوی مدنظر باید در بستر ایرانی - اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جغرافیای توزیع عادلانه امکانات باشد. به‌علاوه در این الگو باید به مقوله اقتصاد مقاومتی هم توجه شود. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اقتصاد مقاومتی، مصداقی از نظریه‌ای بومی است که علاوه بر رونق اقتصادی موجب بهره‌مندی اقشار مختلف جامعه به‌خصوص طبقات محروم از منابع جامعه شود؛ زیرا در اقتصاد مقاومتی هم شاخص‌های علمی موجود رعایت شده و هم تحقق عدالت اجتماعی ممکن می‌شود؛ زیرا جغرافیای توزیع منابع به نحوی طراحی شده که تبعیضی میان طبقات و مناطق و شهرهای مختلف کشور وجود نداشته باشد و امکانات عمومی به‌طور عادلانه تقسیم شود.

سپس این طرح به‌صورت کاربردی توسط دستگاه‌های کشور اجرایی می‌شود. بافت جامعه، فرهنگ‌سازمانی، عدم اهتمام مسئولین، اشرافی‌گری، فساد اداری و اقتصادی، نوع نگاه مسئولان و دستگاه‌ها و روحیه مصرف‌گرایی و نوع تربیت افراد، جزء شرایط مداخله‌گر برای اجرایی شدن الگوی

عدالت اجتماعی است. شرایط علی تحقق‌الگوی عدالت اجتماعی شامل عقلانیت و معنویت، فلسفه اخلاقی، رعایت اصل شایسته‌سالاری، یکسان بودن همه افراد در مقابل قانون، رفع هر نوع تبعیض و تقسیم درست فرصت‌هاست. راهبردهای ممکن برای اجرایی شدن عدالت اجتماعی، شامل تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی؛ دریافت مالیات برحسب برخورداری از درآمد؛ حمایت جدی و قانونی از اقشار مستضعف جامعه در زمینه‌های مربوط به خدمات دولت و قوه قضائیه؛ بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی، اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود، ایجاد زمینه‌های اشتغال با رعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای؛ گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی است. پیامدهای تحقق عدالت اجتماعی، فقرزدایی، رفاه عمومی، رفع نیازهای داخلی، کاهش فاصله طبقاتی، پیشرفت و توسعه متوازن، توفیق نظام جمهوری اسلامی و گسترش انسجام و همبستگی الگو شدن جمهوری اسلامی برای ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان است.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزه.
۲. ایمان، محمدتقی؛ محمدیان، منیژه. (۱۳۸۷). «روش‌شناسی بنیادی»، *فصلنامه روش‌شناسی نظریه بنیادی*، شماره ۵۶، پاییز، صص ۵۴-۳۴۱.
۳. بشیریه، حسین. (۱۳۷۵). «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، فلسفه سیاسی جان رالز»، *مجله اطلاعات اقتصادی و سیاسی*، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران: موسسه اطلاعات، صص ۴۳-۳۶.
۴. پورهاشمی، فخرالسادات. (۱۳۹۰). «مبانی نظری عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری»، *فصلنامه معرفت*، سال بیستم، شماره ۱۶۸، آذر، صص ۹۴-۷۷.
۵. پیغامی، عادل؛ سجادی، علیرضا. (۱۳۹۳). «الزامات و خط‌مشی‌های کلان علمی عرصه عدالت پژوهی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز

- ۵-۳۴. وزمستان، صص ۳۴-۵.
۶. تاجیک نظامیه، نرگس. (۱۳۸۵). مفهوم عدالت در اندیشه جان استوارت میل، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و علوم انسانی، چاپ اول.
۷. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۵). قاموس عدالت: بررسی مبانی نظری و عملی مفهوم عدالت در کلام مقام معظم رهبری، تهران: وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
۸. حسرتی، مصطفی. (۱۳۸۵). «مقدمه‌ای بر روش کیفی نظریه‌سازی داده بنیاد»، فصلنامه زبان و زبان‌شناسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۸۶-۷۵.
۹. خرمشاد، محمدباقر؛ ساوه درودی، مصطفی. (۱۳۹۱). «عدالت در اندیشه متفکرین اسلامی مقایسه تطبیقی آراء رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری»، امنیت پژوهی، شماره ۴۰، زمستان، صص ۳۰-۷.
۱۰. دانایی فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی. (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش‌های کیفی: تأملی بر نظریه داده بنیاد»، فصلنامه اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۹۷-۶۹.
۱۱. دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۴). «تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور، شماره ۱۱، دانشگاه شاهد، صص ۷۰-۵۷.
۱۲. سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران: امیرکبیر.
۱۳. شاه‌محمدی، زینب؛ کیقبادی، یدالله. (۱۳۹۸). «چگونگی عدالت در ایجاد امنیت اجتماعی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب با توجه به حقوق محاذی مردم و نیروی انتظامی»، فصلنامه دانش انتظامی گلستان، شماره ۳۷، بهار، صص ۷۶-۵۳.
۱۴. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۹). نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفدهم.
۱۵. عیوضلو، حسین. (۱۳۸۹). «مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام»، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲ بهار و زمستان، صص ۵-۲۶.

۱۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). *مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۷. کرمانی، طویی. (۱۳۹۶). «تبیین مفهومی صلح و عدالت با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، تهران: همایش بازخوانی اندیشه‌های امام خامنه‌ای با موضوع صلح و عدالت، صص ۴۱-۶۲.

۱۸. کریمی سادات محله، مهران؛ کشفی، سید علی. (۱۳۹۷). *عدالت عدالت و عدالت خواهی در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*، تهران: نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی).

۱۹. مجیدی، حسن. (۱۳۸۷). «دهه چهارم انقلاب و پیشرفت بر مدار عدالت در نظر رهبر انقلاب»، همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی؛ دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها، تهران، دانشگاه شریف.

۲۰. مهاجرنیا، محسن. (۱۳۹۵). «نقش انقلاب اسلامی در ارتقای عدالت براساس آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۷۶، زمستان، صص ۳۱-۵۲.

۲۱. نوروزی، خلیل؛ باقری کنی، مصباح‌الهدی؛ آزادی احمدآبادی، جواد و نوروزی، محمد. (۱۳۹۱). «ارتقای قابلیت‌های پویا در دانشکده‌های مدیریت جمهوری اسلامی ایران، مورد مطالعه: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق^(ع)»، نشریه مدیریت در دانشگاه اسلامی، شماره ۳، صص ۴۲۳-۴۴۶.

۲۲. نیازی، محسن؛ گنجی، محمد و نامور مقدم، فهیمه. (۱۳۹۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر زندگی مورد مطالعه: شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۹۴»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۱، تابستان، صص ۲۰۳-۲۲۸.

۲۳. هیود، اندرو. (۱۳۸۹). *سیاست*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

24. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1031b>

25. Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and*

- Evaluating Quantitative and Qualitative Research 2nd edition).
26. Strauss, A., & Corbin, J.(1990). Grounded theory methodology: an overview.In N. Denzinin, & Y. Lincoln (eds), Handbook of Qualitative Research. Thousand oaks, CA: Sage,
27. Newman, W .L.(1997). Social research methods: qualitative and quantitative approaches. USA: Allen & Bacon.
- Lee, J. (2001), A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.